

تأثیر رابطه نارکوتروریسم و جرایم سازمان یافته بر امنیت بین الملل

چکیده

تروریسم پدیده‌ای است که تا قبل از حوادث یازدهم سپتامبر از منظر معانی و انواع آن، در قالب بسیار محدود تحریر و تحلیل می‌شد. این پدیده که به اعتقاد نگارنده این سطور به مانند واکنش علیه یک کنش معنا پیدا می‌کند، با ورود جهان به قرن بیست و یکم همچنان ابعاد پیچیده‌ای در خود دارد. همین موضوع دلیلی است برای عدم ارائه تعریف واحد از تروریسم و طبیعی است که تبعات زیادی از حیث عمق و گستره تأثیرات تروریسم بر پیکره امنیت بین الملل بار می‌شود. در شرایطی فعلی که دولت‌های تشکیل دهنده نظام بین الملل بر سر عدم وجود تعریف واحد از تروریسم با یکدیگر دست به گریبان هستند، عناوین جدید و مشتقات تازه از تروریسم به صورت قارچ گونه در حال رشد و نمو است. نارکوتروریسم یکی از همین تعاریف نوظهور به شمار می‌رود. مساله‌ای که تشکیل و خیزش آرام و بی‌سر صدای آنرا باید حادثه‌ای بسیار خطرناک با قدرت تخریب بالا دانست؛ چراکه اینبار شاهد پیوند پدیده تروریسم به معنای عام با قاچاق مواد مخدر و شبکه‌های جرایم سازمان یافته به عنوان هدایت کننده آن هستیم که موجب تشدید نگرانی جامعه ملل از سرایت خروجی این پدیده بر امنیت بین الملل شده است.

بر این اساس مقاله پیش‌رو با بررسی مفهوم نارکوتروریسم به تحلیل مخاطرات آن در پیوند با جرایم سازمان یافته می‌پردازد و با واکاوی مصادیق تئوری و عملی آن، پیامدهای منفی این چسبندگی مخرب بر امنیت بین الملل را تبیین می‌کند.

کلیدواژگان: نارکوتروریسم، جرایم سازمان یافته، امنیت بین الملل، قاچاق مواد مخدر، تامین مالی تروریسم

* کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد تهران جنوب، پژوهشگر مطالعات تروریسم و روزنامه‌نگار

تأمین امنیت، مهمترین وظیفه نظام سیاسی مستقر در هر کشور است. عده‌ای هم آنرا وظیفه حکومت حاکمه^۱ می‌دانند که در هر دو صورت ضیمانِ تأمین آرامش و امنیت عمومی بر عهده حاکمیت (فارغ از مدل و نوع نظام سیاسی) خواهد بود. بدیهی است در این خصوص سرویس‌های اطلاعاتی و سایر ارگان‌های نظامی، انتظامی و انواع و اقسام گاردهای ملی و زیرمجموعه نهادهای مذکور مهمترین و اولین گامی که باید بردارند، شناخت و دسته‌بندی تهدیدهای موجود خواهد بود. در قرن بیست و یکم شاهد ظهور مفهوم‌های جدید از جرایمی هستیم که می‌توان آنها را برآمده از عامل‌های داخلی و خارجی دانست. گسترش فزاینده اشکال جرایم و تغییر ماهیت آنها از مرئی به پنهان، بعلاوه تند شدن سیر صعودی خروجی آنها موجب می‌شود که سه سطح تهدید برای هر دولت - کشور به وجود آید.

در این میان یکی از مهمترین تهدیدهای نوظهور و البته بسیار خشن در جهان امروز، نارکو تروریسم^۲ است که به واسطه پیوند آن با دو عنصر مواد مخدر و شبکه‌های سازمان یافته طراح و هدایت کننده جرایم فراملی؛ یکی از پدیده‌های نوظهور در باب ضدامنیت شناخته شده و مورد نظر است. هر شخص که واژه نارکو تروریسم را برای اولین بار بشنود، آنرا زیر مجموعه‌ای از تعاریف در هم پیچیده در حوزه پژوهش مطالعات تروریسم می‌شمارد اما واقعیت این است که نارکو تروریسم در وضعیت فعلی که محرک مالی، حرف اول و آخر بقای سازمان‌های تروریستی و حتی دولت‌های قانونی عضو ملل متحد را می‌زند، یک پیوند بسیار خطرناک به حساب می‌آید.

این پدیده به دلیل پیچیدگی‌های لایه به لایه و ارتباط با کارتل‌های مواد مخدر و قدرت‌های سیاسی نه تنها امنیت داخلی^۳ بلکه امنیت پیرامونی^۴ هر کشور و امنیت بین‌الملل^۵ را با چالش‌های بسیار نگران کننده‌ای روبرو می‌کند. به همین دلیل است که نارکو تروریسم از سایر شاخه‌های مطالعات تروریسم متمایز می‌شود و حتی در بسیاری از متون آنرا گلوگاه تأمین مالی تروریسم^۶ و عامل اصلی حیات گروه‌ها و شبکه‌های تروریستی بعلاوه سازمان‌های پنهان تبهکاری بین‌المللی می‌دانند. در این میان باید متوجه بود که تروریست‌ها برای اینکه بتوانند به نحو موثر اقدامات تروریستی خود را ادامه دهند باید منابع مالی خود را حفظ و سرمایه‌گذاری کنند و به صورت پله‌کانی آنرا افزایش دهند. لذا به روش‌های مختلف باید اقدام به درآمدزایی و سپس پولشویی و تطهیر اموال کنند. به همین دلیل است که

^۱ The ruling government

^۲ Narcoterrorism

^۳ Internal security

^۴ Peripheral security

^۵ International security

^۶ Financing terrorism

افزایش و حفظ منابع مالی تروریسم امروزه ارتباط تنگاتنگی با سازمان‌هایی دارد که ذاتاً برای ارتکاب جرایم سازمان‌یافته^۱ به وجود آمده‌اند.

در این رابطه برای فهم و درک بهتر از آنچه امروز به عنوان نارکو تروریسم مورد نظر است و همچنین پیوند نامبارک این پدیده با کانون‌های ارتکاب جرایم سازمان‌یافته، به این سوال اصلی پاسخ داده می‌شود که تروریسم مواد مخدري چگونه با گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته فراملی پیوند می‌خورد و حاصل جمع آنها چه تاثیری بر امنیت بین‌الملل و تامین مالی تروریسم دارد؟

روش تحقیق در این مقاله همانند روش تحقیق در حوزه جرم‌شناسی و معرفی جرایم به صورت تمثیلی و قیاسی است که به دلیل بین‌المللی بودن جرایم مورد پژوهش سعی می‌شود علاوه بر رجوع به مباحث و مطالب پیشینان، قوانین و کنوانسیون‌های موجود که غالباً از طریق کتابخانه‌ای و توصیفی صورت می‌گیرد به مصادیق عملی و عینی آن در وضعیت کنونی اشاره شود. از این منظر بخش‌هایی از مقاله حاضر به صورت تحلیل با ارائه سند پیکربندی شده است.

^۱ Organized crimes

بند اول: ترمینولوژی تروریسم

۱- تعریف تروریسم

واژه تروریسم از فعل «ترور»^۱ مشتق شده است که در لغت به معنای «ایجاد رعب و هراس در بین مردم» و یا «مرعوب ساختن دیگران» می‌باشد. در فرهنگ آکسفورد، تروریسم به «وحشت فزاینده یک شخص یا چیزی که وحشت فزاینده‌ای تولید کند»^۲ تعریف شده است. این فرهنگ ذیل این تعریف اضافه می‌کند که «تروریسم: توسل به خشونت برای اهداف سیاسی با اجبار حکومت به انجام فعل یا ترک فعلی؛ به این وسیله که در بین مردم تولید وحشت کند».^۳ چنانکه مشاهده می‌شود جانمایه تعریف تروریسم «ایجاد وحشت در بین مردم برای تحت فشار گذاشتن حکومت می‌باشد». به همین دلیل، جهت برگرداندن مناسب در زبان فارسی می‌توان از اصطلاحات «وحشت فکنی» یا «دهشت‌افکنی» استفاده کرد. (م‌عبداللهی، ۱۳۸۸: ۳۵)

۲- تنوع مفهومی تروریسم

تعاریف ارائه شده از تروریسم فراوان هستند و هرکس بنا به دریافت خود، از این مفهوم، آنرا به گونه‌ای تعریف کرده است. برخی آن را ایجاد وحشت در بین مردم برای تحت فشار گذاشتن حکومت می‌دانند، برخی دیگر بر این اعتقادند که «هر نوع توسل و استفاده از ترور یا خشونت و اقدام‌های مجرمانه‌ای که از سوی یک گروه سازمان یافته علیه افراد یا اموال آنها، یا تهدید غیرقانونی به استفاده از این روش‌ها، با هدف مرعوب کردن دولت‌ها یا ملت‌ها که شدیداً موجب سلب امنیت و آسایش عمومی است، تروریسم تلقی می‌شود.» برخی دیگر، آنرا یک شیوه مبارزه می‌دانند که به قصد ایجاد وحشت صورت می‌گیرد، نه برای نابودی افراد. برخی دیگر در تعریف تروریسم بیان داشته‌اند که «تروریسم گونه‌ای از خشونت است که توأم با استفاده سیستماتیک یا توسل به قتل، جرح و خرابکاری برای تهدید یا ترساندن گروه موردنظر، که وسیع‌تر از قربانیان آنی جرم می‌باشند و یا به منظور ایجاد جو رعب و هراس صورت می‌گیرد.» و برخی دیگر نیز با تفکیک میان اهداف و ابزارها در اقدامات تروریستی، بر این باورند که تروریسم «هر نوع اقدامی است که هم از نظر وسیله و هم از لحاظ هدف، با ارزش‌های دینی و انسانی منافات داشته و متضمن تهدید نسبت به هر نوع امنیتی باشد.» (ن کارگری، ۱۳۹۰: ۴۰) با این حال، مشکل آشنا در راستای اجماع بر

^۱ Terror

^۲ Oxford Advanced Learners Dictionary, Fifth Ed. ۱۹۹۷, p. ۱۲۳۳

^۳ Ibidem

سر یک تعریف واحد از تروریسم تا حد زیادی از ماهیت واژه شناختی آن ناشی می‌شود که ارائه یک تعریف واحد از تروریسم را با شکست مواجه ساخته است.

از منظری دیگر تروریسم دارای اهداف و آرمان‌های سیاسی و متکی به خشونت یا تهدید به خشونت می‌باشد. قصد آن ایجاد رعب و وحشت در جامعه هدف است و اهداف دیگری ورای قربانیان فوری خشونت را تعقیب می‌کند. این خشونت، دارای سازمان است و افراد آن به صورت انفرادی عمل نمی‌کنند. تروریسم شامل یک بازیگر غیردولتی یا بازیگرانی به عنوان عاملان خشونت، قربانیان یا هر دو است. نهایتاً اینکه تروریسم خشونتی است که هدف آن ایجاد قدرت برای سازمانی است که قبلاً فاقد آن بوده است. این خشونت «تلاش دارد پایه قدرت سازمان اعمال کننده را افزایش دهد.» (Claridge, ۱۹۹۶, p۴۷)

بدیهی‌ترین جزء تعریف فوق این است که «خشونت تروریستی همواره به طرف اهداف سیاسی جهت‌گیری می‌کند. این یک عامل کلیدی است که خشونت تروریستی را از انواع دیگر خشونت متمایز می‌سازد.» (Long, ۱۹۹۰, p ۵) اهداف سیاسی که گروه‌های خشونت طلب تعقیب می‌کنند، ممکن است ایجاد تغییرات سیاسی، تغییر رهبران، دگرگونی در ساختار حکومت یا حتی تغییراتی در مرزهای سرزمینی یک دولت باشد. شایان ذکر است که «اعمال خشونت بار دارای انگیزه‌های مالی همچون آدم ربایی که برای باج خواهی یا معاوضه با افراد گروه و آزاد کردن آنها یا امتیازگیری در قبال جرایم ارتكابی اعضای گروه صورت می‌گیرد - هرچند که در پی ایجاد وحشت میان جامعه هدف باشد - تروریسم محسوب نمی‌شوند. البته بسیاری از سازمان‌های معارض گاهی برای وضع مالیات‌های خودسرانه یا جمع‌آوری کمک‌های داوطلبانه اقدام می‌کنند که انگیزه آنان نه ثروت اندوزی شخصی بلکه حمایت از اهداف سیاسی است.» (ام. لوتز و جی. لوتز، ۱۳۹۵: ۲۴)

بند دوم: گونه‌های سه‌گانه تروریسم

در پی حمله‌های اسف‌بار یازده سپتامبر، رئیس‌جمهور [وقت] ایالات متحده آمریکا - جرج دابلیو بوش - موضوع "جنگ [به اصطلاح] ترور" را با پشتیبانی ائتلاف گسترده‌ای از دولت‌ها و سازمان ملل متحد به میان کشید. این نام‌گذاری نشان داد که چنین جنگی به همه حوزه‌های ترور توجه می‌کند. با وجود این، یازده سپتامبر ذهن رهبران جهان را به شکل و نمودی خاص از تروریسم متمرکز کرد. این موضوع دو اثر داشت. نخست، دیگر شکل‌های تروریسم را که در دهه‌های گذشته روی داده بود، از حافظه سیاسی و همگانی پاک کرد. دوم، تعریف تروریسم را مبهم، نامشخص و دلخواهانه ساخت. توجه سازمان ملل به تروریسم و ریشه‌های آن به سه دهه پیش با مرکزیت

مجمع عمومی باز می‌گردد که گونه‌های مشخصی از تروریسم را بر پایه عاملان، هدف‌ها، شیوه‌ها و دیگر عوامل، دسته‌بندی کرد. در اینجا برای نشان دادن این گونه‌شناسی، تروریسم به سه گونه بر پایه مباشر یا عامل بخش می‌شود: تروریسم غیردولتی، تروریسم دولتی و تروریسم دوگانه دولتی - غیر دولتی یا آنچه تروریسم دو پهلو می‌نامند. هر یک از این‌ها بر پایه هدف یا شیوه، زیرگروه‌هایی دارند.

۱- تروریسم غیردولتی^۱

تروریسم غیردولتی، خود به دو گونه مستقل تقسیم می‌شود:

الف) تروریسم خودمختاری^۲

در برگیرنده گونه‌ای از خواسته‌ها برای استقلال، خودمختاری یا اظهار و تظاهر فرهنگی است. اینگونه تروریسم در اصل، با جنبش‌های استقلال خواه ضد استعماری در هم آمیخته است و با برپایی سازمان ملل متحد و پشتیبانی این سازمان از اصل خودمختاری شدت و مشروعیت یافت. در بستر قدرت سرکوب‌گر ارتش و حکومت‌های استعماری جنبش‌های استقلال خواه گوناگون یا دسته‌ها و فرقه‌های درون آنها به جنگ و ستیز چریکی یا هنگامه‌های تروریستی رو آوردند. هم چنین، این شکل از تروریسم در بردارنده جنبش‌های مبارز برای خودمختاری جزئی علیه یک قدرت دولتی است که دشمن موجودیت، هویت یا بقای آن گروه دانسته می‌شود و اعمال آشوب‌گرانه یا سیستماتیک تروریستی‌ای را در چارچوب مبارزه و جنگ و ستیزشان به کار می‌بندند. ارتش جمهوریخواه ایرلند^۳ و بیرهای آزادی‌بخش تامیل^۴ مهم‌ترین نمونه‌های این جنبش‌ها به شمار می‌آیند. این جنبش‌ها نمودهای این گفته سازمان ملل هستند که "استعمارگری، نژادپرستی و نقض‌های گسترده و فاحش حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی و اشغال بیگانه" ممکن است به تروریسم بیانجامند.^۵

به کارگیری تروریسم از رهگذر جنبش‌های خواهان خودمختاری به طور معمول سه ویژگی دارد: ۱- دولت مخالف دارای ابزارهای برتر و به کارگیرنده نیروی شدید علیه آن جنبش و جمعیت گسترده‌تر^۲ - فقدان پاسخ دولتی به ابزارهای دیپلماتیک، سیاسی و نظامی متعارف آن جنبش؛^۳ - گرایش فوری برای مداخله بین‌المللی جهت جبران یا اصلاح یک وضعیت به بن بست خورده یا رو به وخامت. شگردهای تروریستی ممکن است برای فشار آوردن بر

^۱ Non-State Terrorism

^۲ Self-determination Terrorism

^۳ Irish Republican Army

^۴ Liberation Tiger of Tamileelam

^۵ General Assembly resolution A/Res/۴۰/۶۱, December ۹, ۱۹۸۵, point ۹.

حکومت‌ها جهت تغییرِ روش یا جریان (برای نمونه، گروگان‌گیری تأثر مسکو از سوی شورشیان چچن در اواخر سال ۲۰۰۲) یا وا داشتن اقدام بین‌المللی (مانند رویداد المپیک ۱۹۷۲) به کار گرفته شوند. اعمال تروریستی اغلب بخشی از یک پهنه گسترده سیاسی، دیپلماتیک، نظامی متداول و دیگر راهبردهای یک جنبش است که به خودی خود ممکن است تروریستی نباشد. یک نمونه برجسته، کنگره ملی افریقا است که پس از انتخابات دموکراتیک در افریقای جنوبی، وظایف حکومتی را بر عهده گرفته بود. با وجود این، برخی از اعمال تروریستی در اصل با عملیات تروریستی در ارتباط اند: مانند جدایی طلبان باسک (یا میهن و آزادی باسک با نام مخفف اِتا)^۱ در اسپانیا.

ب) تروریسم برخاسته از نفرت^۲

دومین گونه تروریسم غیردولتی، "تروریسم برخاسته از نفرت" نام دارد. اینگونه تروریسم، دربرگیرنده گروه‌های قوم پرست، نژادپرست، فاشیست، یا گروه‌های مشابه‌ای است که آتش زدن، سوء قصد، حلق‌آویز کردن و دیگر اعمال خشونت بار علیه اعضای یک گروه بلاگردان را که از نظر نژادی یا فرهنگی متمایز می‌شوند، به گردن می‌گیرند. گروه‌های تندروی سفید مانند ای.دبلیو.بی^۳ (نئونازی‌ها) در آفریقای جنوبی، پگیدا^۴ در اروپا، و گروه‌های بنیادگرای مبارز هندو در هند از این دست به حساب می‌آیند.

در سطحی گسترده‌تر، جنبش‌های شورشی مسلحی که به طور سیستماتیک، شگردهای وحشیانه ترور دسته جمعی را علیه غیرنظامیان به کار گیرند نیز به منزله تروریسم برخاسته از نفرت، دسته بندی می‌شود. اتحاد ملی استقلال کامل آنگولا^۵، جبهه متحد انقلابی در سیرالئون^۶، ارتش مقاومت لرد در اوگاندا^۷ شمالی^۸ و ناکسالایت‌ها^۹ (مائوئیست‌های مسلح هند) نمونه‌هایی از این جنبش‌ها به شمار می‌روند. تروریسم برخاسته از نفرت، با تروریسم خودمختاری تفاوت دارد، زیرا نشان دهنده راهبرد سیاسی کم‌تر یکپارچه و گاه هیچ راهبرد سیاسی یکپارچه است. تروریسم برخاسته از نفرت، از گرایش به تحقیر و در پاره‌ای از موارد، نابودسازی یک گروه آماج برمی‌خیزد. بزه‌دیدگان این تروریسم، هرچند بی‌شمارتر از بزه‌دیدگان تروریسم خودمختاری‌اند، اما نادیده گرفته می‌شوند. از این رو، چنین اعمالی به ندرت به منزله تروریسم شناخته می‌شوند.

^۱ Euskadi Ta Askatasuna (E.T.A)

^۲ Hate terrorism

^۳ AWB (Afrikaner Weerstandsbeweging)

^۴ Pegida (Patriotische Europäer Gegan die Islamisierung Des Abendlandes)

^۵ UNITA (National Union for the Total Independence of Angola)

^۶ RUF (Revolutionary United Front)

^۷ LRA (Lord's Resistance Army)

^۸ Naxalite

۲- تروریسم دولتی^۱

از سال ۱۹۷۲، به این سو، [یعنی، از زمان گروگان گیری ورزشکاران اسرائیلی از سوی یک گروه فلسطینی در جریان رقابت‌های المپیک مونیخ] مجمع عمومی سازمان ملل، بارها "تداوم اعمال سرکوب گرانه و تروریستی را از سوی رژیم های استعمارگر، نژادپرست و بیگانه در انکار حق مشروع خودمختاری و استقلال، و دیگر حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادی افراد"^۲ را محکوم کرده است. همچنین، این سازمان به "بی‌اعتباری سیاست تروریسم دولتی و هر عمل دولتی دیگری که به تضعیف نظام اجتماعی - سیاسی در دیگر دولت‌های حاکم جهت یافته"^۳ تصریح کرده است. تروریسم دولتی، زمانی است که دولتها به صورت سازمان یافته و تثبیت شده از طریق اعمال قدرت به حذف فیزیکی افراد می‌پردازند. «ویلیام پرد» نویسنده کتاب «تروریسم و دولت» دوازده ویژگی برای تشخیص تروریسم دولتی برشمرده است که عبارتند از:

۱. اقدامات سیاسی دولتی نسبت به مردم خویش برای اعمال تسلط از راه ایجاد ترس که می‌تواند با کنترل اخبار مطبوعات، لغو گردهمایی گروه‌ها، ضرب و شتم، شکنجه، توقیف‌های وسیع، محاکمات ناعادلانه و اعدام‌های سریع تحقق پیدا کند.

۲. حمله مسلحانه قوای نظامی یک دولت به اهدافی از دولت دیگر که در آن شهروندان ساکن بوده و خطر متوجه آنهاست.

۳. تلاش در جهت از بین بردن ماموران دولت‌های دیگر.

۴. اشغال نظامی یک کشور، خواه به صورت کنترل مستقیم، یا به صورت ایجاد پایگاه عملیاتی.

۵. عملیات پنهان به وسیله تشکیلات اطلاعاتی - امنیتی، یا سایر نیروهای یک دولت که در پی بی‌ثبات کردن، یا ساقط کردن دولت دیگر است.

۶. تبلیغات مبتنی بر مطالب نادرست توسط یک دولت با هدف بی‌ثبات کردن دولت دیگر و ایجاد حمایت عمومی از نیروهای هدایت شده در کشور دیگر.

^۱ State Terrorism

^۲ "Measures to Prevent International Terrorism", General Assembly resolution A/RES/۳۰۳۴ (XXVII), December ۱۸, ۱۹۷۲.

^۳ "Inadmissibility of the Policy of State Aimed at Undermining the Socio-Political System in Other Sovereign States", General Assembly resolution A/RES/۳۹/۱۵۹, December ۱۷, ۱۹۸۴.

۷. عملیات نظامی، مانورها، یا سناریوهای انجام شده از سوی یک دولت خارج از سرزمین، یا آب‌های سرزمینی آن.

۸. به کارگیری و حمایت مزدوران نظامی توسط یک دولت به منظور ساقط کردن حکومت کشور دیگر.

۹. حمایت از دولت‌هایی که حق تعیین سرنوشت مردم را نفی می‌کنند.

۱۰. فروش تسلیحات در حمایت از استقرار جنگ‌های منطقه‌ای علیرغم تلاش‌هایی که در جهت یافتن راه حل سیاسی صورت می‌گیرد.

۱۱. انتقال سلاح‌های هسته‌ای توسط یک دولت به سرزمین، آب‌ها، یا فضای هوایی دولت‌های دیگر، یا در آب‌ها و فضای بین‌المللی.

۱۲. توسعه، آزمایش و به کارگیری سیستم‌های تسلیحاتی فضایی و هسته‌ای و سایر تسلیحات با قدرت تخریب وسیع که در شرایط اجتماعی کشتار جمعی، یا تخریب محیط‌زیست را افزایش می‌دهد. (ضیایی‌فر، ۱۳۷۵: ۷۱)

فارغ از این دسته‌بندی می‌توان تروریسم دولتی هم به دو دسته تقسیم‌بندی کرد:

الف) تروریسم دولتی ملی^۱

تروریسم دولتی ملی، خود به دو شاخه تقسیم می‌شود. نخستین آنچه "تروریسم نامنفع" می‌نامیم که به آن دسته از اقدام‌های دولت گفته می‌شود که به اعمال تروریستی برای سرکوب بخش‌های خاصی از جمعیت آماج به دلایل سیاسی، ایدئولوژیکی، مذهبی، فرهنگی، نژادی یا دیگر دلایل، یا به منظور عمل بازدارنده در برابر تهدیدهای مشکوک علیه قدرت حاکم دست می‌زند. برای نمونه، می‌توان از برخورد ترکیه و عراق با اقلیت‌های کرد، و برخورد اندونزی با آسهنی‌ها و تیموری‌ها در تیمور شرقی نام برد.

دوم، آنچه که می‌توان آن را "تروریسم واکنشی" نامید که به دولت‌هایی باز می‌گردد که از رهگذر جنبش‌های شورشی یا گروه‌های تروریستی به حمله‌ها پاسخ می‌دهند و برای دفاع از شهروندان و اقتدار خود، دست به چنین عملی می‌زنند. هرگاه تروریسم واکنشی نشان دهنده پاسخ مستقیم و متناسب مشروع به تروریسم غیردولتی باشد و مسئولیت دولت و تعهدهای بین‌المللی آن را رعایت کرده و محترم بشمارد، می‌توان آنرا به منزله ضدتروریسم^۲

^۱ National State Terrorism

^۲ Counter Terrorism

دسته‌بندی کرد (مانند اقدام حکومت اسپانیا علیه جدایی طلبان باسک). با وجود این، هرگاه دولت‌ها نیروی نامتناسبی را برای پاسخ به کار گیرند، و مسئولیت دولتی و تعهدهای بین‌المللی را نقض کنند، باید آن را تروریسم دانست (مانند گواتامالا، آپارتاید آفریقای جنوبی و اقدام‌های تروریستی اسرائیل علیه فلسطینیان).

ب) تروریسم دولتی ملی^۱

تروریسم دولتی فراملی به سوی غیرشهروندان در یک کشور خارجی از رهگذر کمک به یک تروریست غیردولتی یا دولتی جهت یافته است. نخستین حالت در برگیرنده مواردی است که یک دولت از اقدام‌های تروریستی یک جنبش غیردولتی با هدف بی‌ثبات کردن یا سرنگونی حکومت آماج پشتیبانی می‌کند (مانند پشتیبانی افریقای جنوبی از اتحاد استقلال کامل انگولا علیه حکومت ام. پی. ال. ای و پشتیبانی حکومت ایالات متحده آمریکا از براندازان مخالف حکومت سندنیستا در نیکاراگوا). دومین حالت، زمانی است که یک دولت برای توانمند ساختن یک دولت هم‌پیمان، جهت راهبری و اجرای تروریسم نامنفع، یا واکنشی، کمک سیاسی، نظامی یا مالی در اختیار هم‌پیمانان خود می‌گذارد. همچنان که در رقابت ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی سابق به ترتیب در آمریکای جنوبی و مرکزی، آسیای شرقی و اروپای شرقی دیده شد.

۳- تروریسم دوپهلوی یا دولتی - غیردولتی^۲

با پایان جنگ سرد و گسترش تهدیدها و حمله‌های تروریستی به کشورهای غربی، توجه سازمان ملل به "تروریسم بین‌المللی"^۳ معطوف شد. هم‌زمان، مجمع عمومی جایگاه خود را در توجه به تروریسم به شورای امنیت واگذار کرد. نقطه آغاز مهم این رویداد، قطعنامه شماره ۶۰/۴۹ مجمع عمومی با عنوان "اعلامیه تدابیر ریشه کن‌سازی تروریسم" در سال ۱۹۹۴ بود. در پی آن، دولت‌های عضو اعلام داشتند که "اعمال مجرمانه با قصد یا برنامه برانگیختن یک حالت ترور و وحشت در سطح همگانی، یا در گروهی از اشخاص یا اشخاص معینی برای هدف‌های سیاسی در هر شرایطی، خواه با ملاحظه‌های سیاسی، ایدئولوژیکی، نژادی، قومی، مذهبی یا هر چیز دیگری که برانگیختن آن اعمال را توجیه کند، ناموجه است". این اعلامیه به دفاع از تروریسم غیردولتی پایان داد. با وجود این، حمله‌های یازده سپتامبر بود که به منزله عامل اصلی به راه افتادن جنگ با ترور، تعریف دوباره تروریسم را توجیه پذیر ساخت.

^۱ Transnational State Terrorism

^۲ Amphibolous/State-cum-State Terrorism

^۳ International Terrorism

تروریسم درهم پیچیده جدید که سازمان تروریستی القاعده^۱ نمایانگر آن است، به طور معمول، غیردولتی نیست بلکه برخوردی است میان عاملان دولتی و غیردولتی که از روابط قوی کاری، مالی و مجرمانه بهره مندند. این گروه‌های تروریستی که در کشورهای سراسر گیتی، از فراصنعتی تا کم‌تر توسعه یافته، پراکنده‌اند، اقدام‌های گوناگونی را از فعالیت‌های مجرمانه گرفته تا جنگ و ستیز یا تهدیدهای معمول و نامعمول به چنین جنگ و ستیزی، با قصد نامعین تضعیف نهادها یا حکومت‌های دشمن از رهگذر ترساندن شهروندان یا برهم زدن نظام اقتصادی یا اجتماعی این حکومت‌ها به کار می‌گیرند. انگیزه‌های دقیق این گروه‌ها، که اغلب سر بسته‌اند تا معین، هدف‌هایی هستند که هرچند اغلب دقیق و مشخص‌اند، اما ممکن است مبهم و پراکنده باشند و شیوه‌هایی که به کار گرفته می‌شوند نیز چند منظوره و گوناگون هستند. از این رو، آماج‌ها و بزه‌دیدگان ممکن است محصول گزینش دقیق یا اتفاقی همراه با پیوند نمادین یا واقعی ضعیف با آن "هدف یا انگیزه" باشند.

در عین حال، شگردها و پشتیبانی دولتی آشکار از این جنبش‌ها می‌تواند مهم باشد. در سطح ملی، برخی از حکومت‌های استقلال یافته، مانند الجزایر و مصر، به جنبش‌های مبارز وعده ارائه خدمات اجتماعی و امکانات حمایتی را داده‌اند، در حالی که بر نسبت‌های احتمالی و آرمان‌های سیاسی این جنبش‌ها کم‌تر ظن و گمان داشته‌اند. در سطح بین‌المللی، در اوج جنگ سرد و به ویژه در طول اشغال افغانستان از سوی شوروی، حکومت ایالات متحده آمریکا اقدام به آموزش و پشتیبانی گسترده از جنبش‌های مبارز تندرو کرد، در حالی که تصور نمی‌کرد آنان روزی علیه پشتیبانان خود برخیزند. بدین سان آنان را می‌توان به منزله تروریست‌های "دوپهلو" توصیف کرد. زیرا آمیزه پیچیده و مبهمی از عاملان و شیوه‌های گوناگون، دربردارنده تروریسم دولتی و غیردولتی با آماج‌های محلی، ملی، بین‌المللی و فراملی گوناگون هستند. آنان بیشتر به منزله شبکه‌ها - تا سازمان‌ها - دربرگیرنده دسته به ظاهر انبوهی از بخش‌های آمیخته گوناگون‌اند. القاعده شاید تنها نمونه برجسته این دسته خاص باشد؛ هر چند داعش^۲ هم به دنبال جای‌گیری در این مقیاس است. (رمانی، ۱۳۹۴: ۷۴)

بند سوم: شاخصه‌های تروریسم

^۱ Al-Qaeda

^۲ IS (Islamic State)

مجموعه تعاریف ارائه شده از تروریسم در دانشنامه ها و فرهنگ ها مفاهیمی مانند ترساندن، خشونت، تغییر وضع موجود، سازمان مند بودن یا تشکیلاتی بودن اقدام کننده را مورد توجه قرار داده اند. با این وجود، در یکی از این منابع با توجه به تعاریف مختلف، شاخصه ها و اجزای مفهومی تروریسم به شرح زیر گسترده است:

۱- خشونت^۱

عمومی ترین ویژگی تروریسم، خشونت یا تهدید به استفاده از خشونت است. با این وجود، این واژه نمی تواند مفهوم اختصاصی از خشونت تروریستی ارائه دهد و بسیاری از دیگر اقدامات که نمی توان آنها را تروریسم نامید از قبیل شورش، جنابات سازماندهی شده و جنگ را دربر می گیرد.

۲- قربانی یا هدف^۲

انتخاب تصادفی یا از روی هدف غیرنظامیان یکی از ویژگی ها و معیارهای اقدامات تروریستی است. در این خصوص، برخی گروه های تروریستی نظیر "اتا" یا "ارتش جمهوریخواه ایرلند" قبل از حملات خود به مردم هشدار می دادند تا از شمار قربانیان کاسته شود و برخی نظیر القاعده، طالبان و داعش به دنبال بیشترین قربانی هستند.

۳- هدف^۳

هدف تروریسم ایجاد وحشت و ترس در قربانی است که این قربانی می تواند حکومت، کل جامعه یا گروهی از اعضای جامعه باشد. اقدامات تروریستی بر این اساس برای جلب توجه گسترده مردم طراحی می شوند و به دنبال ایجاد شوک روانی در جامعه هستند.

۴- انگیزه^۴

اقدامات تروریستی ممکن است برای رسیدن به اهداف سیاسی یا مذهبی انجام شود و یا ممکن است بر اساس کسب منافع شخصی صورت گیرد. اگر سارقی به بانک حمله کند و پس از کشتن رئیس بانک با مقداری پول فرار کند، نمی توان او را تروریست نامید، ولی اگر انگیزه همین شخص در سرقت از بانک ایجاد ترس و وحشت در مردم یا مقاصدی مانند بی اعتماد کردن مردم به بانک ها و بی ثبات کردن اقتصاد باشد، این کار یک اقدام تروریستی به حساب می آید.

^۱ Violence

^۲ Target

^۳ Objective

^۴ Motive

۵- قانونمندی^۱

غیرقانونی بودن از ویژگی‌های بارز تروریسم است. به همین جهت انواع تشکیلات‌های تروریستی (اعم از ایدئولوژیک مذهبی یا غیر مذهبی) می‌کوشند یا با استناد به آرمان‌های مورد نظر خود و یا با اتکاء به مذهب اقدامات خود را قانونی جلوه دهند یا حداقل برای آن دلیل عوام پسند دست و پا کنند.

۶- قبول مسئولیت

صدور بیانیه پس از اقدام تروریستی یکی از ویژگی‌های تروریسم است که البته به یک روند تبدیل شده است. این بیانیه می‌تواند ضمن قبول مسئولیت اقدام، ترویج کننده مواضع عقیدتی، سیاسی و یا ملی تروریست‌ها و همچنین آشنایی با مواضع آنها باشد.

بند چهارم: نارکو تروریسم

نارکو تروریسم^۲ یا تروریسم مخدری که به تروریسم مواد مخدر هم معروف شده، پدیده‌ای است که در قرن بیست و یکم نگاه بسیاری از دولت‌ها، سرویس‌های اطلاعاتی و همچنین سازمان‌های تروریستی را به خود معطوف کرده است. این پدیده نه تنها به دلیل خشونت سرسام‌آورش بلکه به سبب ماهیت و همچنین خواستگاه زایش و خروجی اقداماتش، متمایز از جرایم سازمان یافته قرار می‌گیرد که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

۱- مفهوم نارکو تروریسم

بسیاری از نظریه‌پردازان، جرم‌شناس‌ها، مفسران و پژوهشگران مطالعات تروریسم این پدیده را حاصل از پیوند دو پدیده شوم تروریسم و قاچاق مواد مخدر می‌دانند که این تعریف در نگاه ابتدایی و اولیه می‌تواند درست باشد اما واقعیت این است که پیچیدگی‌های نارکو تروریسم در دنیای فعلی مستلزم رمزگشایی ریشه‌ای آن است. زمانی که امپراتوری اسپانیا در قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی توانستند تا آمریکای جنوبی پیش بیایند و بر آنجا حکمرانی کنند، زبان اسپانیولی در این مناطق ریشه دواند و تا به امروز کشورهایی مانند کلمبیا، پرو، ونزوئلا، بولیوی و اکوادور از همین زبان غالب پیروی می‌کنند. به این جهت واژه "نارکو" اصالت اسپانیایی دارد. این واژه مخفف کلمه «نارکو ترافیکنته»^۳ است که معنای کارتل‌های بزرگ مواد مخدر را با خود حمل می‌کند و در انگلیسی " Drug

^۱ Legality

^۲ Narcoterrorism

^۳ Narcotraficante

Terraficker" را به عنوان مترادف آن مطرح می‌کنند. بسیاری معتقدند منظور از نارکوها^۱ تمام کارتل‌های مواد مخدر موجود در کره زمین هستند اما واقعیت این است که واژه نارکو تروریسم، تنها یک عنوان یا اسم نیست؛ بلکه این پدیده یک روند است که بر خلاف آنچه گفته می‌شود، از دهه‌ها قبل وجود داشته اما عمق و گستره آن در دهه ۷۰ میلادی (به بعد) خود را به جهانیان نشان داد.

۲- تعریف نارکو تروریسم

پدیده نارکو تروریسم به هیچ وجه همانند مدل‌های مرسوم تروریسم نیست. زمانی که نام تروریسم به زبان می‌آید یا اخباری در مورد این پدیده منتشر می‌شود، اولین تصویری که در ذهن افکاری عمومی نقش می‌بندد اشخاصی با ریش‌های بلند و دستارهای سیاه رنگ هستند که خود را داعش، القاعده، طالبان، الشباب یا بوکو حرام می‌نامند. بر خلاف این تصور، نارکو تروریسم به سلسله اقدام‌های معروف شده که از سوی سوداگران مواد مخدر به کار گرفته می‌شود. این نوع از تروریسم برای اولین بار از سوی رئیس جمهور پیشین پرو در سال ۱۹۸۳ میلادی برای توصیف حملات تروریست گونه علیه پلیس مبارزه با مواد مخدر این کشور به کار برده شد. در مقیاس کلی نارکو تروریسم برای توصیف حملات اعضای کارتل‌های مواد مخدر در جهت تاثیرگذاری بر سیاست‌های دولت و عدم اجرای قانون به واسطه تهدیدهای منظم و استفاده از خشونت استفاده می‌شود. (ع عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۲۶)

عده‌ای معتقدند نارکو تروریسم را باید حاصل پیوند دو پدیده تروریسم و قاچاق مواد مخدر بدانیم. دسته‌ای دیگر، فوراً از واژه گروه‌های سازمان یافته استفاده می‌کنند و اقدام‌های آنها علیه دولت‌ها را مصداق بارز نارکو تروریسم می‌دانند. متأسفانه بخش دیگری از مفسران و پژوهشگران مطالعات تروریسم یا محققان حوزه جرایم سازمان یافته با بی‌حوصلگی، جریان‌هایی که مجری نارکو تروریسم هستند یا حداقل اقدام‌های آنها در این رده از زیرمجموعه‌های تروریسم قرار می‌گیرد را دارای ماهیت تروریستی می‌دانند و حتی برچسب تروریسم محض را به آنها الصاق می‌کنند. در این باب باید متوجه باشیم که واژه تروریسم مواد مخدر یا همان نارکو تروریسم که گاهی برای اشاره به جرائم مربوط به مواد مخدر و جرایم سازمان یافته به کار می‌رود، مفهوم تولیدکنندگان مواد مخدر که در عین حال اعمالشان مصداق تروریسم است را در خود مستتر دارد. هرچند این معنی مدنظر ما نیست، اما اصل واژه «نارکو تروریسم» به صورت زیرکانه تشریح کننده تاکتیک‌های تروریسم گونه است که برای ارباب دولت‌ها مورد استفاده کارتل‌های مواد مخدر قرار می‌گیرد.

^۱ Narcos

برخی دیگر اعتقاد دارند عبارت نارکو تروریسم بر نفع مالی مستقیم یا غیر مستقیمی که گروه‌های مستقر یا فعال در پرو و بولیوی (به عنوان دو کشور مبداء تولید کننده کوکا در دهه ۷۰ میلادی و قاچاق آن در دهه ۸۰ میلادی) و سپس در کلمبیا و سایر کشورهای تولید کننده مواد مخدر از دست داشتن در هر بخشی از تجارت کوکائین یا هروئین به دست می‌آورند دلالت دارد. به صورت مشخص‌تر در کلمبیا و همچنین در افغانستان، عبارت تروریسم مواد مخدر به معنای پیوند یا «ائتلاف اقتضایی» میان گروه‌هایی با اهداف متفاوت بلند مدت است که نیازهای کوتاه مدت مالی و تدارکاتی مشترک دارند. در همین راستا، طیف دیگری معتقدند نارکو تروریسم برای اشاره به استفاده نیروهای شورشی از خشونت علیه گروه‌های قاچاق مواد مخدر در مناطق کاشت و تولید مواد تحت سیطره نیروهای انقلابی است که یک مثل سه ضلعی پیچیده را شکل می‌دهد. (ف شنتی، ۱۳۹۳: ۱۹۰)

۳- کارتل مدلین و عملگرایی تروریسم مخدری

کلمبیا کشوری است که از یک سو با پرو و بولیوی (دو کشور مهم تولید کننده برگ کوکا) مرزهای مشترک دارد و از سوی دیگر تنها کشور منطقه آمریکای لاتین است که هم به اقیانوس آرام و هم به دریای کارائیب راه دارد؛ لذا شکی در این نیست که کلمبیا، بهشت قاچاقچی‌ها به حساب می‌آید. در سال ۱۹۷۲ تشکیلاتی سه ضلعی به نام «ارتباط فرانسوی» که در ضلع اول آن مافیای کازانوسترا^۱ (یکی از سه جریان اصلی مافیای ایتالیا معروف به مافیای سیسیلی) و در ضلع دوم برخی ملوانان مستقر در بندر ماری و در ضلع سوم گروه‌های مستقر در نیویورک قرار داشتند. این تشکیلات در خلال سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ حدود ۹۵ درصد هروئین وارد شده به نیویورک را در کنترل خود داشت اما نهایتاً در سال ۱۹۷۲ ارتباط فرانسوی توسط نیروهای مبارزه با مواد مخدر آمریکا^۲ و فرانسه از بین رفت و انحصار توزیع هروئین از دست این شبکه خارج شد. این اتفاق دقیقاً باعث شد کارتل‌های کلمبیایی، کوکائین را جایگزین هروئین کنند و حجم انبوهی از آنرا به سوی آمریکا گسیل نمایند. همزمان با این واقعه (حدود سال‌های ۱۹۷۰)، راه قاچاق تریاک از ترکیه بسته شد و مکزیکی‌ها به تهیه کنندگان شماره یک هروئین آمریکا تبدیل شدند.^۳

این روند باعث شد کلمبیایی‌ها و مکزیکی‌ها در خلال سال‌های دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی توانایی و تسلط خود بر صنعت مواد مخدر آمریکا را گسترش دهند و حتی خانواده‌های بزهکار محلی را تحت الشعاع قرار دهند. بزرگترین تولید کننده و صادر کننده کوکائین در کلمبیا تنها توسط دو کارتل بزرگ و مشهور مواد مخدر این کشور به نام‌های

^۱ Cosa Nostra

^۲ DEA (Drug Enforcement Administration)

^۳ Traffickers from Mexico, op. cit.

کالی^۱ و مدلین^۲ صورت می‌گرفت. نام این دو کارتل برگرفته از دو شهری است که این دو تشکیلات بزرگ مخدري در آنها مستقر هستند. کالی در ۲۰۰ مایلی جنوب غربی پایتخت کلمبیا و مدلین در ۱۵۰ مایلی شمال غربی پایتخت کلمبیا قرار دارد. (ح میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷: ۲۷۱)

هر دو کارتل در عرصه صنعت چند میلیارد دلاری کوکائین فعال بود اما آنچه کارتل مدلین را از رقیبش (کارتل کالی) متمایز می‌کرد، خشونت نادر و بی‌مانند این کارتل در سراسر خاک کلمبیا و حتی بیرون از مرزهای این کشور بود. کارتل مدلین توسط پابلو اسکوبار^۳ (بزهکار خیابانی خشن)، کارلوس لدر^۴ (قاچاقچی خرده‌پا و سابقه‌دار ماریجوانا)، خوزه رودریگز گاجا^۵ (تاجر فلزات گران‌بهاء) و برادران اچوا^۶ تشکیل شد اما به صورت علنی هدایت این کارتل توسط اسکوبار انجام می‌شد. تمایل او به حذف رقباء، سیاستمداران، پلیس و ارتش باعث شد خشونت منبعث از اقدام‌های کارتل مدلین از سوی مقامات قضایی، سیاسی و امنیتی کلمبیا و ایالات متحده به عنوان افراط‌گرایی مورد بحث قرار بگیرد. عمده فعالیت این کارتل در داخل کلمبیا تمرکز داشت و تمام محصولات خود را با زحمت فراوان، نخست در میامی و سپس در نیویورک به فروش رساندند و توانستند این دو شهر را قبضه خود داشته باشند. ارتش خبرچین‌های اسکوبار در مدلین و سراسر کلمبیا بعلاوه ساخت چندین مدرسه، کلیسا، بیمارستان و نفوذ اجتماعی او در کل کشورش باعث شد کارتل مدلین به تهدید اساسی برای نظام سیاسی، امنیتی، قضایی و اجتماعی کلمبیا تبدیل شود. نگرانی مقامات کلمبیا و آمریکا این بود که رخنه اسکوبار به حدی پیش رود که تمام مقامات کلمبیا تحت نفوذ او قرار بگیرند و به همین دلیل بود که مقابله‌ها و اقدامات علیه قاچاقچیان مدلین و ساختار این کارتل در سال ۱۹۸۰ شدت گرفت. (معظمی، ۱۳۸۷: ۸۳) طبیعی بود که اسکوبار هم به تلافی اقدام دولت، دست به خونریزی‌های پیاپی اعم از ترور، بمب‌گذاری، دستبرد و عملیات‌های دسته‌جمعی تلافی‌جویانه علیه مقرهای پلیس و ارتش کلمبیا زد. بدون تردید در روند پاسخ‌دهی خشن از سوی کارتل مدلین، غیرنظامیان هم کشته می‌شدند و در اینجا بود که واژه «نارکوتروریسم» به صورت عملی قابل لمس بود. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که بسیاری از محققان آنرا در تعریف نارکوتروریسم تایید می‌کنند؛ چراکه بهترین مصداق این موضوع را باید اقدامات اسکوبار در قالب کارتل مدلین بدانیم. گرچه اسکوبار در سال ۱۹۹۱ و پس از تعهد رئیس جمهوری کلمبیا مبنی بر عدم استردادش به آمریکا تسلیم و به زندان رفت، اما در همان زندان مشغول هدایت کارتل مدلین بود. در سال ۱۹۹۲ از

^۱ Cali

^۲ Medellin

^۳ Pablo Escobar

^۴ Carlos Lehder

^۵ Jose Rodrigues Gacha

^۶ Ochoa brothers

طریق تونل‌های زیرزمینی از زندان فرار کرد و دقیقاً یکسال بعد در درگیری با پلیس کشته شد. بر اساس اسناد و تخمین‌های صورت گرفته او به طور مستقیم مسئول مرگ ۱۰۰۰ غیرنظامی ۵۰۰ مامور پلیس است و این روند (از تشکیل کارتل مدلین تا مرگ اسکوبار) به معنای دقیق کلمه نمای به ثبت رسیده از نارکو تروریسم است.^۱

۴- عامل تشدید نارکو تروریسم

در زمان حکومت و رقابت کارتل‌ها در کلمبیا، عاملی که باعث شد باندهای بزرگ مواد مخدر در این کشور با یکدیگر متحد شوند، ر بوده شدن سرکرده‌های ثروتمند مواد مخدر و خانواده‌هایشان به دست چریک‌های چپ‌گرای کلمبیا مانند نیروی مسلح انقلابی کلمبیا (فارک)^۲، گروه ام-۱۹^۳ و ارتش آزادیبخش ملی^۴ بود. این گروه‌ها که برای چندین دهه با دولت کلمبیا در جنگ بودند بخش اعظمی از درآمدهایشان را از آدم‌ربایی به دست می‌آوردند. از این جهت کلمبیا در آن زمان تاکنون بیشترین موارد آدم‌ربایی در دنیا را به خود اختصاص داده است. حرفه آدم‌ربایی در کلمبیا پس از تجارت مواد مخدر، دومین رتبه را از نظر میزان درآمد به خود اختصاص داده است. مقام‌های دولتی کلمبیا، زمین‌داران ثروتمند، اتباع خارجی و اعضای قدتمند کارتل‌ها بزرگ مواد مخدر بعلاوه خانواده آنها هدف این نوع خشونت بودند. در این میان فارک، فعالترین گروه آدم‌ربایی در کلمبیا است که بخشی از درآمدهایش از این راه تامین می‌شود.

در سال ۱۹۸۱ گروه ام-۱۹ (یکی از گروه‌های چریکی کلمبیا) اقدام به ربودن خواهر برادران اُچوا (از بنیانگذاران کارتل مدلین) کردند و در قبال آن ۱۵ میلیون دلار باج خواسته بودند. همین موضوع باعث شد در یکی از جلسه‌های قاچاقچیان که با کارتل مدلین در ارتباط بودند گروهی با نام «مورته اسکوسترا دُرس» یا «مرگ بر آدم‌ربایان» شکل بگیرد. هدف این آنها توقف ر بوده شدن اعضای کارتل‌ها و خانواده‌هایشان به منظور باج‌گیری بود. این گروه از سایر نیروهای چریکی استفاده می‌کرد و بیش‌تر وقت‌ها در کنار ارتش و پلیس کلمبیا کار می‌کرد. تشکیل این گروه و ربایش اعضای کارتل‌ها یا خانواده‌هایشان توسط گروه‌هایی مانند ام-۱۹ و فارک، اقدام‌های متقابل و رد و بدل پاسخ‌های خشن را دو برابر می‌کرد که علاوه بر شهروندان عادی، نیروهای دولتی هم مورد حمله سخت قرار می‌گرفت. بنابراین لزوماً نمی‌توان نارکو تروریسم را به مجادله میان کارتل‌های مواد مخدر با نیروهای دولتی محدود

^۱ Watson, R., et al., "Death on the Spot," Newsweek (December ۲۳, ۱۹۹۳), ۱۶; Gately, W., & Fernandez, Y. (۱۹۹۴). Dead Ringer: An Insider's Account of the Mob's Colombian Connection. New York: Donald I. Fine

^۲ FARC

^۳ M-۱۹

^۴ National Liberation Army (NLA)

کرد؛ چراکه آماج برآمده از آن به دلیل جنس خشونتِ دو طرف درگیری می‌تواند بیش از حالت مقابله با دولت باشد. (ح اسعدی، ۱۳۹۰: ۲۰۲)

بند پنجم: رابطه نارکو تروریسم و جرایم سازمان یافته

با عبور از ماهیت و تعریف نارکو تروریسم این ابهام به وجود می‌آید که آیا درون مایه نارکو تروریسم همان جرایم سازمان یافته است یا حداقل، اجزای تشکیل دهنده آن از منظر معنوی و قانونی (از حیث جرم‌شناسی و جرم‌انگاری) با جرم سازمان یافته برابری می‌کند یا خیر؟ هیچ تردیدی وجود ندارد که در نگاه اول، نارکو تروریسم و جرایم سازمان یافته در یک سطح قرار بگیرند اما واقعیت این است که تفاوت‌هایی میان این دو وجود دارد. البته شباهت‌هایی از حیث روند فعالیت یا خروجی اقدام‌های آنها در مورد هر دو پدیده [در مقیاس فراملی] هم به چشم می‌خورد که برای واکاوی آن باید درون‌مایه جرایم سازمان یافته را مورد بررسی قرار دهیم.

۱- شناسایی جرم سازمان یافته فراملی

از حیث پیشینه، جرایم سازمان یافته ابتدا در جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی مورد بحث قرار گرفته و پس از تبیین تهدیدها و آثار مخرب آن بر جامعه، برخی از دولت‌ها این مدل از جرایم را به تدریج وارد حقوق داخلی خود کردند. در دهه ۱۹۹۰ نه تنها جرم‌شناسان بلکه کارشناسان امنیت ملی جرم سازمان یافته فرامرزی^۱ را از جمله تهدیدهای بالقوه امنیتی به شمار آوردند. از دید برخی دیگر، گروه‌های جنایتکار به عنوان چالش مستقیمی برای دولت به شمار می‌روند که اقتدار دولت را به ناحق از آن می‌گیرند و رفاه شهروندان را به خطر می‌اندازند. در این راستا دولت بیل کلینتون^۲ این نگرش را قبول داشت و در دستورالعمل تصمیم ریاست جمهوری (شماره ۴۲/امضاء و صادر شده در اکتبر ۱۹۹۵)، جرم سازمان یافته بین‌المللی را تهدید امنیت ملی اعلام کرد. مساله مهمتر این بود که جرایم سازمان یافته فراملی پتانسیل فرسوده کردن هنجارها و ثبات بین‌المللی را در خود جای داده است. از این منظر «کنوانسیون مبارزه با جرم سازمان یافته فراملی ملل متحد»^۳ برای مبارزه همه جانبه بین‌المللی با مظاهر این جرم و هماهنگ سازی قوانین داخلی، در نوامبر سال ۲۰۰۰ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قالب قطعنامه‌ای به تصویب رسید و از ۱۵ دسامبر همان سال طی کنفرانسی در شهر پالمو واقع در ایتالیا برای امضاء مفتوح گشت. (ح هاشمی و م.ع باباپور، ۱۳۹۰: ۱۲)

^۱ Transnational Organized Crime

^۲ Bill Clinton

^۳ UN Convention against Transnational Organized Crime

۲- تعریف کلاسیک جرایم سازمان یافته

جرم سازمان یافته جرمی است که شاخص تدارک و ارتکاب آن، تشکیلاتی روشمند است که اغلب برای مباحثان آن امکانات معاش فراهم می کند. (ص سلیمی، ۱۳۹۱: ۳۲)

در تعریف دیگر که به نظر نگارنده نسبت به سایر تعاریف منسجم و گویاتر است گفته شده «جنایت سازمان یافته یک نهاد غیرایدئولوژیک است که مرکب از تعدادی افراد با روابط متقابل و بر مبنای سلسله مراتب شکل گرفته که حداقل سه رده متمایز در آن وجود دارد و هدف آن جلب منفعت و قدرت با اشتغال به فعالیت های نامشروع و گاهاً مشروع است. مسئولیت های کلیدی ممکن است بر حسب روابط خویشاوندی یا دوستی و یا صرفاً بر اساس مهارت به افراد داده شود. مسئولیت ها در هیچ برهه زمانی خاص، قائم بر دارندگان آنها نخواهد بود. اعضاء آنرا دائمی می دانند و سعی دارند یکپارچگی و فعال بودن آنرا در جهت نیل به اهدافش حفظ کنند. تمایل به استفاده از خشونت یا رشوه برای رسیدن به اهداف یا حفظ انسجام زیاد است. عضوگیری محدود است، هر چند از افراد غیر عضو ممکن است به طور موردی استفاده شود. قواعد صریح مکتوب یا شفاهی دارند که با ضمانت اجراهای شدید، شامل مرگ اعمال می شوند.»^۱

واقعیت این است که تعاریف متعددی در مورد جرم سازمان یافته ارائه شده است اما مساله اصلی این است که عنصر مادی جرم و همچنین نتیجه اقدام سازمان یافته بسیار مهم تر از شگردها و مدل های ابتدائی جرم است. باید توجه داشت «جنایت سازمان یافته زمانی رخ می دهد که گروه هایی که عمدتاً بر روی تحصیل منافع غیرقانونی متمرکز شده اند، به طور سیستماتیک مرتکب جنایاتی شوند که این جنایات، به ویژه با توسل به خشونت فیزیکی یا برداشتن موانع با استفاده از افساد مامورین؛ متقابلاً بر جامعه اثر می گذارد و برای فعالیت جنایتکاران چتر امنیتی ایجاد می کنند.»^۲

بدون تردید مهمترین سند بین المللی در مورد جرایم سازمان یافته، کنوانسیون پالمو خواهد بود که متأسفانه در متن آن نمی توان تعریف دقیقی از جنایت سازمان یافته فراملی به دست آورد. لیکن، فقط ماده ۵ کنوانسیون پالمو صرفاً به "جرم انگاری مشارکت در یک گروه جنایتکارانه سازمان یافته" پرداخته که علت این امر را باید در ارتباط تام "جنایت سازمان یافته" و "گروه جنایتکارانه سازمان یافته" جست وجو کرد که این دو لازم و ملزوم هم هستند. در

^۱ Howard Abadinsky, *Organized Crime*, ۴th ed. ۱۹۹۴, Chicago, p. ۶

^۲ Cyrille Fijnaut/Frank Bovenkerk/ Gerben Bruinsma/ Henk Van de Bunt, *Organized Crime in Netherlands*, The Hague: Kluwer Law International, ۱۹۹۸, pp. ۲۶-۷

اینجاست که بحث سازمان بزهکار شبکه‌ای به میان می‌آید. این سازمان «متشکل از گروه‌های مستقل بزهکاران واجد شرایط و توانمند برای کشتار است. این شبکه تا زمانی که اعضای آن از طریق روابط حمایتی، اربابی و فاسد با جمعیت و نیز دولت در ارتباط باشند استمرار خواهد داشت»^۱

۳- مفهوم جرایم سازمان یافته فراملی از منظر نهادهای اطلاعاتی و پلیس

همانطور که جرایم سازمان یافته فراملی را می‌توان همچون طیف وسیعی از فعالیت‌های مجرمانه مد نظر قرار داد، سازمان‌های مجری قانون حوزه‌ای از جرایم سازمان یافته خاص را مدنظر قرار می‌دهند. اشخاصی مانند کارنگرم^۲، بل^۳ و لاشز^۴ (۲۰۱۳: p.۱۲) این فعالیت‌ها را شامل پول‌شویی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق جنسی انسان، قاچاق اسلحه، قاچاق گونه‌هایی از حیوانات و گل و گیاه‌های در معرض خطر انقراض یا نایاب، قاچاق افراد و اخیراً هم تروریسم عنوان می‌کنند. فارغ از تعاریف آکادمیک جرم سازمان یافته، باید توجه داشت که این تعریف از سوی ارگان‌ها و نهادهایی که دائماً در حال درگیری و مقابله با مجریان جرم سازمان یافته هستند کمی متفاوت است. در ادامه چند نمونه به اختصار می‌آید:

الف) اینترپل

اینترپل (سازمان بین‌المللی پلیس جنایی)^۵ یکی از مهمترین سازمان‌های درگیر و مقابله کننده با جرایم سازمان یافته فراملی به حساب می‌آید که تمام کشورها در چارچوب شرح وظایف تشکیلاتی مشخص با این سازمان بین‌المللی در ارتباط هستند. در بخشی از اساسنامه اینترپل پس از تشریح شرح وظایف این نهاد بین‌المللی، جرم سازمان یافته اینگونه تعریف شده است که «هر شرکت یا گروهی از اشخاص که درگیر یک فعالیت غیرقانونی مستمر هستند و هدف اصلی گروه بدون توجه به مرزهای ملی، تحصیل منافع مادی است.» (Soukhanor and others, ۱۹۹۲:۵)

ب) سرویس اطلاعات جنایی کانادا^۶

مفهوم‌سازی جرایم سازمان یافته توسط سرویس اطلاعات جنایی کانادا از دو منظر متمایز صورت می‌گیرد. دیدگاه نخست جرایم سازمان یافته فراملی را از جنبه بازارهای قاچاق بررسی می‌کند و رویکرد دوم گروه‌ها و شبکه‌های

^۱ Cusson, Maurice, le notion de crime Organisé, p.۳۹.

^۲ Congram

^۳ Bell

^۴ Lauchs

^۵ INTERPOL (International Criminal Police Organization)

^۶ Criminal Intelligence Service Canada (CISC)

جنایی را از جنبه اجرای قانون بررسی می‌کند. هر یک از این دیدگاه‌ها، مشتریان سی.آی.اس.سی را با دیدگاه‌های بسیار متفاوتی برای بررسی جرایم سازمان‌یافته فراملی روبرو می‌کند. در تطبیق چارچوب دوسویه می‌توان گفت که سی.آی.اس.سی در تحلیل جرایم سازمان‌یافته فراملی از دیدگاه خُرد مبتنی بر درک سنتی این جرایم استفاده می‌کند؛ به گونه‌ای که سی.آی.اس.سی جرایم سازمان‌یافته فراملی را به عنوان گروه‌های جامع همگنی که در بازارهای همگن فعالیت می‌کنند مورد شناسایی قرار می‌دهند. از این منظر ممکن است تحلیل سی.آی.اس.سی با استفاده از این دیدگاه خُرد، یک دیدگاه خُرد درباره جرایم و گروه‌های جنایی همگرا را توسعه ندهد. (Quarmby, ۲۰۰۹:۵)

پ) آژانس جرائم جدی و سازمان‌یافته بریتانیا^۱

مفهوم‌سازی آژانس جرائم جدی و سازمان‌یافته بریتانی از جرایم سازمان‌یافته فراملی بسیار منعطف‌تر از همتای کانادایی خود است. این آژانس جرایم سازمان‌یافته را به عنوان جرایمی که عموماً با همدستی یکدیگر در فعالیت‌های مجرمانه مداوم برای کسب سودهای قابل ملاحظه در بریتانیا یا هر جای دیگری دست داشته‌اند، تعریف کرده است. این آژانس از یک دیدگاه کل‌نگر، جرایم سازمان‌یافته را تماماً بازاری و آسیب‌شناسانه مفهوم‌سازی کرده است. در این سازمان در سال ۲۰۱۱ رسماً پذیرفت که مقیاس جرایم جدی و سازمان‌یافته که بر بریتانیا اثرگذار هستند از مکانیزم مقابله سنتی اجرای قانون، پیشی گرفته‌اند. گزارش دهی اطلاعات استراتژیک اس.او.سی.ای نشان داد که تخمین‌های واکنشی سنتی اجرای قانون به خودی خود تاثیر عمده‌ای بر توطئه‌های مجرمانه بین‌المللی نداشته است. از این منظر سازمان مذکور سعی کرد تا این روش‌ها را در یک مقابله پلیسی غیر سنتی علیه جرایم سازمان‌یافته، یکپارچه کند. (SOCA, ۲۰۱۱a)

ت) کمیسیون جنایی استرالیا^۲

تعریف کمیسیون جنایی استرالیا از جرایم سازمان‌یافته فراملی بر این فرض استوار است که جرایم سازمان‌یافته دشمنی است که می‌تواند به شکل نظامی و خصمانه مبارزه کند. این سازمان در مفهوم‌سازی سازمانی از جرایم سازمان‌یافته فرض می‌گیرد که واکنش ملی و تهدید ملی، هر دو به یک اندازه در گستره ملی به معنای جغرافیایی و مفهومی آن توزیع شده‌اند. (Rogers, ۲۰۰۹) زیربنای چنین رویکردی این است که تصویر کلی جرایم سازمان‌یافته فراملی تمام عناصر گزارش شده جرم مورد تحلیل را به میزان مساوی در برمی‌گیرد. این سازمان در اتخاذ این

^۱ Serious and Organised Crime Agency (SOCA)

^۲ Australian Crime Commission (ACC)

رویکرد، موضع نظری در پیش گرفت که می‌گوید جرم، الگوهای تاریخی را دنبال می‌کند که در نشان دادن واقعیت گروه‌های جرایم سازمان‌یافته فراملی خلاق و نوآور در قرن ۲۱ شکست خورده‌اند. همچنین تعداد زیادی از پژوهشکده‌های فعال در حوزه مطالعات جرایم سازمان‌یافته فراملی معتقدند که الگوهای تاریخی بزهکاری، پیشگوی دقیقی برای جرایم آتی نیستند. (Vassalo and Case, ۱۹۹۶; Gibson, ۲۰۰۹)

بند ششم: گروه‌های بزه کار سازمان‌یافته در مقام تامین مالی تروریسم

بدون تردید بر اساس مولفه‌ها و داده‌های موجب تئوریک و عملی این مفهوم نمایان می‌شود که نارکو تروریسم برآمده از رفتار تشکیلات بزه کاری است که خود در چارچوب جرایم سازمان‌یافته تعریف می‌شود. باید این واقعیت را پذیرفت که نارکو تروریسم مدل رفتاری یک کارتل (در سطح کلان) یا تشکیلاتی در مقیاس کوچکتر است که فعالیتش بر پایه تجارت مواد مخدر بنیان گذاشته شده و زمانی که دولت یا نهادهای مقابله کننده در سرزمین استقرار و حوزه نفوذش علیه آنها اقدام می‌کنند، دست به ارائه و عملیاتی کردن خشن‌ترین و خونین‌ترین پاسخ‌های غیر برابر می‌زنند. نکته اصلی یا به عبارت گویاتر ستون فقرات فرآیند مذکور این است که اهمیت گروه‌های بزه کار سازمان‌یافته‌ای که حوزه فعالیت آنها مواد مخدر است، برای گروه‌ها، سازمان‌ها و تشکیلات‌های تروریستی مانند القاعده، داعش یا طالبان بیش از سایر تبهکارات سازمان‌یافته‌ای است که حوزه فعالیتشان را قاچاق انسان، الماس، سلاح یا مشروبات الکلی در بر می‌گیرد. این یک رابطه دوسویه است که علاوه بر دلایل، شباهت‌ها و تفاوت‌های در خود دارد که تنها با ذره‌بین پژوهش می‌توان آنرا آشکار ساخت.

۱- همپوشانی تروریسم و گروه‌های بزه کار سازمان‌یافته

شورای امنیت سازمان ملل متحد^۱ در ۱۹ دسامبر ۲۰۱۴ در نشست خود متذکر شد که حضور گروه‌های تروریستی و سازمان‌های جنایتکار (به ویژه آنهایی که با تولید و قاچاق مواد مخدر مرتبط هستند) در نواحی دارای ضعف دولتی، منازعات مسلحانه جاری را تشدید کرده‌اند. همچنین اذعان گردید که تاکنون «محتویات جلسات و مباحث ارائه شده شورای امنیت در ارتباط با تروریسم و جرایم سازمان‌یافته، کمکی نکرده است و از مواردی که به حل منازعه مربوط بوده مجزا شده‌اند.»^۲ در نهایت، بر لزوم درک بهتر از تبعات همکاری‌های تروریستی و مجرمانه در شرایط منازعات مسلحانه تأکید گردید.^۳ این بدان معناست که در منازعات مسلحانه معاصر، به خصوص آنهایی که در

^۱ United Nations Security Council (UNSC)

^۲ S/2014/869.

^۳ S/PV.7301.

کشورهایی که در کنترل مرزهای خود ضعیف و ناتوان هستند؛ مرزبندی میان طرفینِ منازعه، گروه‌های تروریستی و گروه‌های تبهکار سازمان‌یافته مبهم است. با تمام موانع و عدم شفاف بودن این رابطه، پیوند جرم و ترور در معنای وسیع‌تر خود به هرگونه اتصال و پیوند بین تروریست‌ها و تبهکاران اطلاق می‌شود که دست‌کم چهار نوع رابطه همپوشان را می‌توان مشخص کرد:

الف) تعامل

در این رابطه، تروریست‌ها و تبهکاران یا به گونه‌ای با یکدیگر همکاری می‌کنند یا با یکدیگر به رقابت می‌پردازند و درگیر می‌شوند. به عنوان مثال طبق اعلام اداره مبارزه با قاچاق مواد مخدر آمریکا، نزدیک به نیمی از سازمان‌های تروریستی خارجی با قاچاقچیان مواد مخدر روابط داشته‌اند؛ هرچند این روابط بیشتر به صورت همکاری است، اما نوع تعاملات بسیار متفاوت است.^۱

ب) تصاحب

در این مورد یک گروه از روش‌های گروه دیگر استفاده می‌کند. به عبارتی دیگر تروریست‌ها از قابلیت‌های تبهکاری خود استفاده می‌کنند یا تبهکاران، تاکتیک‌های تروریستی را به کار می‌برند. در این مورد ممکن تحصیل منابع مالی کلیدی‌ترین محور مشترک است.

پ) جذب

عامل جذب باعث می‌شود که سازمان‌های مرکب تشکیل شود که هم در اقدام‌های تروریستی و هم در جرایم سازمان‌یافته شرکت می‌کنند.

ت) تبدیل

این عامل باعث تغییر ماهیت می‌شود و یک گروه تبدیل به گروه دیگر می‌شود که البته عنصر «غلبه» در آن بسیار مهم است.

۲- تشابه میان جرم سازمان‌یافته و تروریسم

الف) تشکیلات‌های سازمان‌یافته تاکتیک‌های خاص سازمان‌های تروریستی (خشونت) را به منظور شکل دادن به محیطی که در آن فعالیت می‌کنند (به جهت پربار و سازنده‌تر کردن آن به نفع خود) مورد استفاده قرار می‌دهند.

^۱ Chris Dishman, "Terrorism, Crime and Transformation," Studies in Conflict and Terrorism ۲۴, no. ۱ (۲۰۰۱): ۵۳-۵۴.

ب) هر دو مخفیانه و به صورت زیرزمینی عمل می‌کنند.

پ) استفاده هر دو طیف از ارباب^۱ به عنوان ابزار ابتدایی.

ت) کنترل هر دو سازمان به فرد و سرنوشت او، شدید و حیاتی است.

ث) هر دو از سازمان‌های به ظاهر مشروع نظیر سازمان‌های تجاری و خیریه‌ها استفاده می‌کنند.

ج) داشتن سوابق تبه‌کارانه یا اعلامیه‌های پیگرد.

چ) داشتن ساختار سلسله‌مراتبی و بوروکراتیک.

۳- تفاوت میان جرم سازمان یافته و تروریسم

الف) مجریان جرایم سازمان یافته دارای انگیزه اقتصادی هستند. این گروه‌ها فعالیت‌های خود را بر روی به دست آوردن مزایای مادی متمرکز می‌کنند. در این رابطه، گروه‌های جنایی به دنبال تضعیف (اما نه نابودی) نهادهای دولتی هستند که باید آنرا به منزله مخبره پیام هشدار قلمداد کرد.

ب) تروریست‌ها دارای انگیزه سیاسی یا ایدئولوژیک مذهبی (مانند خلافت، دولت یا امارت اسلامی) هستند. آنها غالباً یا به دنبال نابود کردن کشورها هستند یا اینکه قصد دارند به صورت بنیادی رژیم سیاسی کشور هدف را تغییر دهند. مصداق بارز آن، ظاهر شدن داعش در سوریه و عراق (با عنوان برپایی خلافت اسلامی) بود.

پ) گروه‌ها و تشکیلات‌های سازمان یافته (جنایی) همواره مایل هستند تا در سایه باقی بمانند در حالیکه تروریست‌ها به جلب توجه رسانه‌ها و افکار عمومی علاقه شدید دارند تا بتوانند از این طریق علاوه بر نشر خشونت خود به تبلیغ ایدئوژنی‌شان برای یارگیری پردازند.

ت) خشونت تبه‌کاران سازمان یافته غالباً سنجیده‌تر، حساب‌شده‌تر و با تفکیک بیشتری توأم است اما خشونت تروریست‌ها کور، جمعی و حتی با درون مایه ایدئولوژیک همراه است که تلفات غیرنظامی آن نسبت به طیف اول بیشتر است. (Schmid, n.d: ۵-۶)

بند هفتم: عواید مالی قاچاق و ترانزیت مواد مخدر توسط گروه‌های تروریستی

^۱ Intimidation

به صورت مشخص آنچه پیوند میان باندهای مافیایی و گروه‌های تروریستی را شکل می‌دهد، قاچاق مواد مخدر است که امروزه این روند چنان پیچیده شده که سازمان ملل متحد آنرا در شمار جرایم سازمان یافته قرار داده و کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های متعددی برای رویارویی با آن تدوین کرده است. کنوانسیون‌های ۱۹۶۱، ۱۹۷۱، پروتکل اصلاحی ۱۹۷۲ و کنوانسیون ۱۹۸۸ از جمله این کنوانسیون‌ها هستند. به عقیده بسیاری از کارشناسان مهمترین بخشی که در فرآیند پیوند باندهای جنایتکار سازمان یافته و سلول‌های تروریستی^۱ بیش از هر اقدام دیگر دولت‌ها و خصوصاً سازمان ملل را نگران می‌کند، عواید مالی حاصل از قاچاق و ترانزیت مواد مخدر توسط گروه‌های تروریستی است. در این خصوص دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۷ گزارشی را از سوی افسر ارشد پیشگیری از تروریسم دفتر مواد مخدر و جرائم سازمان ملل به نام «ایرکا کولشنيک»^۲ منتشر کرد که برخلاف طیف گسترده‌ای از کارشناسان و مقامات این سازمان که می‌گویند عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر توسط جریان‌های تروریستی مشخص نیست، معتقد است که با دقتی تر کردن سلسله اقداماتی مانند شناسایی و ردگیری، می‌توان شبکه‌هایی که در حال تامین مالی تروریسم از راه ترانزیت و قاچاق مواد مخدر هستند را، مختل کرد. بر اساس گزارش او، سازمان ملل در سال ۲۰۰۷ میلادی اعلام کرده که عایده برداشت تریاک در سال ۲۰۰۶ برای کشاورزان، صاحبان لابراتوارها و قاچاقچیان افغان رقمی در حدود ۳/۱ میلیارد دلار بوده است. در بخش دیگری از این گزارش آمده که در سال ۲۰۰۴ حدود ۴۰۰ تن کوکائین تنها از مبدأ یک کشور آمریکای لاتین به ارزش ۲ میلیارد دلار صادر شده است. او می‌گوید مشخص نیست که چه میزان از عایده مالی این ترانزیت‌ها در اختیار گروه‌های تروریستی قرار می‌گیرد اما حتی یک درصد برای برخی افراد یا گروه‌ها برای برنامه‌ریزی، تامین مالی و انجام اقدامات تروریستی کافی خواهد بود.^۳

این اعداد و ارقام گرچه به نظر بسیار هنگفت می‌آید اما برای اینکه بفهمیم طی سال (۲۰۱۹) گذشته میلادی چه حجمی از عواید مالی حاصل از قاچاق مواد مخدر نصیب باندهای تروریستی شده، بهتر است به پژوهش اخیری که توسط «اندیشکده نگاه اروپایی به رادیکالیسم»^۴ در تاریخ ۲۸ فوریه ۲۰۲۰ میلادی منتشر شده نگاه بیاندازیم.^۵ در ابتدای این پژوهش به گزارش روزنامه واشنگتن پست^۶ با عنوان «آیا کارتل‌های مکزیکی سالانه ۵۰۰ میلیارد دلار

^۱ Terrorism cells

^۲ Irka Kuleshnyk

^۳ <https://www.unodc.org/unodc/en/frontpage/drug-trafficking-and-the-financing-of-terrorism.html>

^۴ European Eye on Radicalization

^۵ <https://eeradicalization.com/how-the-drug-trade-funds-terrorism/>

^۶ <https://www.washingtonpost.com/politics/2019/06/24/do-mexican-drug-cartels-make-billion-year/>

درآمد دارند؟» که در تاریخ ۲۴ ژوئن ۲۰۱۹ میلادی توسط سالوادور ریتزو^۱ نوشته شده بود اشاره شده است. در این گزارش مستقیماً جلسه پرسش و پاسخی مورخ ژوئن ۲۰۱۹ که به عنوان «دادرسی مبارزه با مواد مخدر» توسط سناتورهای حزب دموکرات آمریکا برگزار شده مورد اشاره قرار گرفته است که در آن سناتور دایان فاینستاین^۲، عضو ارشد دموکرات در کمیته قضایی سنای ایالات متحده سولاتی را در مورد ترانزیت مواد مخدر و درآمد حاصل از آن برای شبکه‌های سازمان‌یافته و جریان‌های تروریستی از وزیر امور خارجه آمریکا، مایک پمپئو^۳ مطرح می‌کند. این سناتور آمریکایی اعلام می‌کند که تجارت غیرقانونی مواد مخدر به کسب و کاری تبدیل شده که عاید مالی آن به ۴۲۶ میلیارد تا ۶۵۲ میلیارد دلار می‌رسد. در ادامه پژوهش این اندیشکده اروپایی به سند دیگری از دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل اشاره شده است. بنابراین گزارش سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۱۱ درآمد جهانی از قاچاق مواد مخدر و جرائم سازمان‌یافته معادل ۱,۵ درصد تولید ناخالص ملی و یا ۸۷۰ میلیارد دلار آمریکا در سال ۲۰۰۹ بوده است.^۴

نمونه دیگر تامین مالی تروریسم و رابطه آن با ترانزیت و قاچاق مواد مخدر را می‌توان در پرونده حمله دو عضو القاعده به دفتر نشریه شارلی ابدو^۵ در پاریس به تاریخ هفتم ژانویه ۲۰۱۵ میلادی جست‌وجو کرد. بر اساس گزارشی که خبرگزاری رویترز به نقل از پلیس ضدتروریسم و پس از انجام تحقیقات تکمیلی این نهاد منتشر کرد، شریف کواشی^۶ که یکی از مهاجمان به حساب می‌آمد و از مادر الجزایری متولد شده بود، در زمان اجرای این عملیات ۲۰ هزار دلار از سرشبکه القاعده در یمن دریافت کرده بود که در روز حمله حدود ۴۰ هزار دلار در حساب او و خانه‌اش کشف شده است که نشان می‌دهد بیش از ۴۰ درصد از حملات تروریستی در اروپا مستقیماً از طریق فعالیت‌های جنایی و به ویژه قاچاق مواد مخدر، تامین مالی می‌شوند.^۷ در گزارش دیگری با عنوان «پ.ک.ک و شبکه‌های کردی مواد مخدر: همکاری، همگرایی یا درگیری» به فعالیت حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.)^۸ در مورد شبکه قاچاق مواد مخدر این جریان مارکسیستی^۹ گرد که ترکی آنرا تهدید شماره یک امنیت ملی خود خوانده، اشاره شده است. در این گزارش که سال ۲۰۱۱ میلادی منتشر شد آمده است که پ.ک.ک در دهه نود میلادی

^۱ Salvador Rizzo

^۲ Dianne Feinstein

^۳ Mike Pompeo

^۴ https://www.unodc.org/documents/data-and-analysis/Studies/Illicit_financial_flows_2011_web.pdf

^۵ Charlie Hebdo

^۶ Cherif Kouachi

^۷ <https://www.reuters.com/article/us-france-shooting-yemen-finance/charlie-hebdo-shooter-says-financed-by-qaeda-preacher-in-yemen->

^۸ Kurdistan Workers' Party

فعالیت خود در حوزه ترانزیت و انتقال مواد مخدر را تشدید کرد تا بتواند مواد مخدر تولیدی جنوب غرب آسیا را به دست مصرف کنندگان اروپایی برساند؛ چراکه در دهه نود یک کیلوگرم هروئین در جنوب غربی آسیا ۳ الی ۴ هزار دلار قیمت داشت اما در آلمان ۴۵ هزار، در بریتانیا ۵۴ هزار دلار، در اسپانیا و فنلاند بیشتر از ۱۰۰ هزار دلار قیمت داشت. بعلاوه اینکه میزان خلوص ۹۰ درصد در جنوب آسیا، به کمتر از ۷ درصد در اروپا کاهش یافت و این امر سبب ایجاد بازارهای حاشیه‌ای شد^۱.

نتیجه‌گیری

جرم سازمان‌یافته فراملی به واسطه ماهیتی که دارد، معضلی است که به عنوان یک اقدام دسته‌جمعی مورد شناسایی قرار گرفته و همین موضوع با توجه به این واقعیت که گروه‌های جنایتکار فراملی مرزها را نقض و از آن فراتر می‌روند، ماهیت و منافع دولت‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد. پیچیدگی ذات و اقدام تشکیلات سازمان‌یافته باعث شده تا مجریان قانون و نهادهایی که مشغول طراحی دکترین امنیتی هستند با سردرگمی و نگرانی‌هایی مواجه شوند؛ چراکه جرم سازمان‌یافته فراملی به راحتی توانسته مولفه‌های بنیادین اجتماعی، اقتصاد، سیاسی و نظامی یک دولت - ملت را تحلیل و کاهش دهد. اگر سازمان جنایتکار در مقیاس داخلی دست به تحرک بزند، امنیت ملی یک کشور به خطر می‌افتد اما واقعیت در دنیای امروز (از دهه ۶۰ میلادی تا قرن حاضر) این است که تشکیلات سازمان‌یافته به دلیل آنکه مورد هجمه داخلی قرار نگیرد (یا کمتر در دید دولت باشد) و تجارتشان به خطر نیافتد، دیگر به صورت متمرکز فعالیت نمی‌کنند و مقیاس آن فراملی می‌شود که همین موضوع تهدید امنیت بین‌الملل را مطرح می‌کند. ناکوتروریسم یکی از جرایمی است که باید آنرا «خروجی رفتار» یک کارتل مواد مخدر علیه ضربه زدن دولت به تجارت سازمان‌یافته دانست و این مورد با پیشرفت تکنولوژی و علم وارد فضای مجازی شده است. نفوذ یک سازمان مجرمانه در میان قوای مجریه، مقننه، قضائیه و ساختار پلیسی - امنیتی که اساس فعالیتش تجارت مواد مخدر است، یکی از موضوع‌های بسیار مهمی است که امنیت بین‌الملل و در پس آن امنیت ملی هر کشور را تهدید می‌کند؛ چراکه منابع مالی آنها بسیار قوی است و در صورت همکاری نکردن افراد با مجازات مرگ روبرو خواهند بود.

^۱ Behsat Ekici, Phil Williams and Ayhan Akbulut. "The PKK and Kurdish Drug Networks: Cooperation, Convergence or Conflict" *The PKK: Financial Sources and Political Dimensions* (۲۰۱۱)

آنچه باعث افزایش بیش از حد ناامنی در مقیاس بین‌المللی می‌شود، پیوند سازمان‌های مذکور با جریان‌های تروریستی است. به عنوان مثال طالبان تمام عایدات مواد مخدر حاصل از کشت خشخاش در سراسر افغانستان را که به عنوان منبع مالی اقدام‌های خود علیه دولت افغانستان و نظامیان آمریکا در این کشور مورد استفاده قرار می‌دهد را با بهره‌برداری از معابر امن که در اختیارشان است به سرشبه‌های خریداران کارتل‌ها یا دولت‌ها می‌فروشد و این چرخه تا خاک اروپا ادامه دارد. در نمونه دیگر داعش پس از اشغال شهر موصل عراق اقدام به تخریب موزه آثارباستانی این شهر کرد. کمی بعد اسنادی از سوی خبرگزاری راشا تودی روسیه منتشر شد که نشان می‌داد آثار باستانی موزه موصل توسط داعش به قاچاقچیان آثار باستانی فروخته شده و در ازای آن منابع مالی کادر مرکزی و آموزش اعضاء بعلاوه منابع مالی عملیات‌های آینده این گروه از این طریق تامین شده است که واژه Arco Terrorism به معنای تروریسم آثارباستانی خلق شد. با این تفاسیر، زیست و همکاری گروه‌های تروریستی و سازمان‌های جنایی در کنار یکدیگر می‌تواند به صورت موردی اتفاق بیافتد اما واقعیت این است که همکاری‌ها کوتاه مدت یا موردی نخواهد بود. پیوند تروریسم و سازمان‌های تبهکاری به دلیل نفع دو طرفه روز به روز وارد ابعاد جدید می‌شود و حتی برخی از عناصر گروه‌های تروریستی به دلیل منافع اقتصادی، به استخدام سازمانی که مجری جرم سازمان یافته است در می‌آید. بنابراین وصف «فراملی» برای مشخص کردن شکل تازه‌ای از بزهکاری منطقه‌ای یا جهانی به کار نمی‌رود بلکه کاربرد این اصطلاح نوعی اعتراف به نحوه موفقیت آمیز این گروه‌ها از دگرگونی‌های سیاسی و فناوری است.

برای مقابله با این پیوند شوم، نمی‌توان سازمان جنایتکار را بر تشکیلات تروریستی ترجیح داد. این مقابله باید در راستای یکدیگر صورت بگیرد اما تامین کنندگان امنیت بین‌الملل باید متوجه باشند که هوش و ذکاوت مجریان جرم سازمان یافته به مراتب از تروریست‌ها بالاتر بوده اما هر دو گروه به دلیل در اختیار داشتن منابع مالی هنگفت، از نفوذ و توان قابل توجهی برخوردار هستند. از این منظر شناسایی سازمان تبهکار، ریشه‌های نفوذ و حتی دولت‌های حامی و در نهایت ایجاد اختلال در شبکه آنها مهمترین نیاز امروز برای برقراری امنیت بین‌الملل است. البته در این رهیافت، سیاسی‌کاری و سناریوهای پنهان سرویس‌های امنیتی قدرت‌های مطرح دنیا، مانع اصلی احقاق امنیت بین‌الملل و حتی امنیت ملی کشورهای زیر دست خواهد بود.

منابع فارسی

الف - کتاب

- ۱- اسعدی، سید حسن (۱۳۹۰). جرایم سازمان یافته فراملی. تهران: نشر میزان.
- ۲- ام. لوتز، جیمز و جی. لوتز، برندا. تروریسم و تکفیر. ترجمه: مهدی بیژنی (۱۳۹۵). تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- ۳- باباپور، محمدعلی و هاشمی، حمید (۱۳۹۰). جرائم سازمان یافته. تهران: انتشارات مدبران.
- ۴- زوار جلالی، امیر (۱۳۹۵). مسئولیت بین المللی دولت ها ناشی از تأمین مالی تروریسم. تهران: انتشارات خرسندی.
- ۵- سلیمی، صادق (۱۳۹۱). جنایت سازمان یافته فراملی. تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
- ۶- شستی، فرانک. دایره المعارف مصور تاریخ مافیا. ترجمه: الهام شوشتری زاده (۱۳۹۳). تهران: انتشارات سایان.
- ۷- صفاری، غلامعلی (۱۳۹۵). طالبان. تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- ۸- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶). تروریسم شناسی. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- ۹- عبداللهی، محسن (۱۳۸۸). تروریسم، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش.
- ۱۰- معظمی، شهلا (۱۳۸۷). جرم سازمان یافته. تهران: موسسه انتشارات دادگستر.
- ۱۱- ویلیامز، پل. دی. درآمدی بر بررسی های امنیت. ترجمه: علیرضا طیب (۱۳۹۲). تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۱۲- معاونت پژوهش و تولید علم (۱۳۹۶). تحلیل تروریسم شبکه ای. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- ۱۳- معاونت پژوهش و تولید علم (۱۳۹۶). اطلاعات و جرایم سازمان یافته (جلد اول). تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- ۱۴- معاونت پژوهش و تولید علم (۱۳۹۷). اطلاعات و جرایم سازمان یافته (جلد دوم). تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.

۱۵- معاونت پژوهش و تولید علم (۱۳۹۷). اطلاعات و جرایم سازمان یافته (جلد سوم). تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.

۱۶- آشوری، محمد؛ معظمی، شهلا و مهرا، نسرین (۱۳۹۴). تروریسم شناسی: رویکردهای حقوقی - فلسفی. تهران: موسسه انتشاراتی نگاه بینه.

۱۷- کارگری، نوروز (۱۳۹۱). درون مایه تروریسم. تهران: نشر میزان.

ب- مقاله‌ها

۱- بوریکان، ژاک و نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۷). بزهدکاری سازمان یافته در حقوق کیفری فرانسه. فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۱، شماره ۲۱ و ۲۲، ص ۳۱۶-۳۱۸

۲- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۶). تروریسم و جرایم سازمان یافته: مطالعه موردی پ.ک.ک. فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲۰، شماره ۲۳، ص ۸۹-۱۱۰

۳- کدخدائی، عباسعلی و ساعد، نادر (۱۳۹۰). مفهوم یابی و گونه شناسی تروریسم. در مجموعه مقالات تروریسم و مقابله با آن (ص ۳۴-۷۵). مجمع جهانی صلح اسلامی، تهران.

۴- ضیایی فر، محمدحسن (۱۳۷۵). تروریسم بین المللی و شورای امنیت. فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴، ص ۷۱

مقالات انگلیسی

۱- Chris Dishman (۲۰۰۱), "Terrorism, Crime and Transformation," *Studies in Conflict and Terrorism*, no. ۱. p. ۵۳.

۲- Monteleone, C (۲۰۱۶) *Do terrorism, organized crime (drug production), and state weakness affect contemporary armed conflicts? An empirical analysis*, *Global change, peace & security*, ۲۸: ۱, ۳۵.

۳- Abadinsky, Howard (۱۹۹۴) *Organized Crime*, ۴th ed. Chicago, p. ۶.

۴- Fijnaut, Cyrille, Bovenkerk, Frank, Bruinsma, Gerben, Van de Bunt, Henk (۱۹۹۸), *Organized Crime in Netherlands*, The Hague: Kluwer Law International, pp. ۲۶-۷.